

Challenges of Endowment Administration in Iran with a Reform Perspective

Abstract

As a unique institution within Iran's legal and Islamic framework, waqf (religious endowments) embodies a combination of real and personal rights and plays a significant role in meeting the economic, social, cultural, and religious needs of society. However, this dual legal nature has led to various legal challenges and complexities in the administration and utilization of waqf properties. Analyzing these obstacles and their legal implications is essential to improve the efficiency of waqf management, safeguard the intentions of the waqif (endower), and protect the rights of the mauquf 'alayh (beneficiaries). The findings of this study indicate that a lack of transparency, legal loopholes, and misinterpretations have, in some cases, resulted in the violation of the rights of both the endower and third-party beneficiaries. Proposed solutions include revising and amending waqf-related laws with emphasis on safeguarding the endower's intent (such as Article 80 of the Civil Code), ensuring public interest, establishing effective oversight mechanisms, strengthening the role of trustees through correct interpretation of legal provisions like Article 83, providing specialized training for administrators, issuing judicial unification rulings, and promoting the culture of waqf aligned with contemporary social needs. Striking a balance between the endower's intent and the public interest remains a key principle for the optimal administration of waqf in Iran's legal system.

Keywords: Waqf, Waqf administration, Endower's intent, Civil Code, Legal reform, Public interest

چالش های حقوقی اداره موقوفات در ایران با رویکرد اصلاحی

علیرضا مانده گاری^۱ - نازیلا دباغ^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده

موقوفات به عنوان نهادی خاص در نظام حقوقی و اسلامی ایران، ترکیبی از حقوق عینی و شخصی را در خود جای داده‌اند و نقش مؤثری در تأمین نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه ایفا می‌کنند. با این حال، همین ویژگی ترکیبی، موجب بروز چالش‌ها حقوقی در اداره و بهره‌برداری از موقوفات شده است. بررسی این موانع و تحلیل آثار حقوقی آن‌ها برای ارتقای کارایی در مدیریت موقوفات، صیانت از نیت واقف و حفاظت از حقوق موقوف‌علیهام امری ضروری است. یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که نبود شفافیت، ضعف‌های قانونی و تفاسیر ناصواب، در مواردی منجر به تضییع حقوق واقف و ذی‌نفعان ثالث گردیده است. از جمله راهکارهای پیشنهادی می‌توان به اصلاح و بازنگری قوانین مرتبط با وقف، تقویت نظارت حقوقی بر اجرای موقوفات، تفسیر دقیق مواد قانونی مانند مواد ۸۰ و ۸۳ قانون مدنی، آموزش تخصصی متولیان، صدور آرای وحدت رویه توسط مراجع ذی‌صلاح، با توجه به نیازهای روز جامعه اشاره کرد. توازن میان نیت واقف و مصلحت عمومی، از اصول کلیدی برای اداره بهینه موقوفات در نظام حقوقی به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌گان: وقف، اداره موقوفات، نیت واقف، قانون مدنی، اصلاح قوانین، مصلحت عمومی

Vakilmandegari@gmail.com

Nazila.dabagh@yahoo.com

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کیش، کیش، ایران

^۲ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کیش، کیش، ایران

مقدمه

موانع حقوقی موجود در اداره موقوفات نیازمند بررسی و تحلیل دقیق تمام جوانب حقوقی هستند و این مقاله می‌تواند به ارائه راهکارهای مؤثر برای بهبود وضعیت موقوفات در نظام حقوقی ایران کمک کند و همچنین بدواً باید بیان دارم که وقف بهترین و مؤثرترین وسیله تکافل اجتماعی است و به‌عنوان نهادی است که تداوم صدقات را امکان‌پذیر می‌سازد؛ از امتیازات شریعت اسلامی آن است که مسلمانان را بر تکافل اجتماعی ترغیب می‌نماید. آنان را بر صدقه دادن در راه‌های خیر و اعانه مساکین تشویق می‌کند و علاوه بر معمول بودن در میان ملل مختلف در زمان‌های قدیم در دین اسلام نیز به جهت تأکید قرآن و سنت اهمیت بیشتری کسب کرده است. با تدوین قانون مدنی و اختصاص مواد ۵۵ تا ۹۱ ق، م به آن، وقف، به‌صورت تأسیس حقوق موضوعه شکل یافت و با ایجاد سازمان اوقاف، اداره آن نیز تحت کنترل قانون و دولت درآمد. گسترش فعالیت دولت در امور نظارت بر مالکیت و اتخاذ سیاستی برای تحدید مالکیت خصوصی، در جهت تأمین اهداف مختلف، منجر به تدوین قوانینی شده است که موقوفات را هم در برگرفته که اهم آن‌ها، ناظر به فروش مال مورد وقف و تبدیل به احسن است. وقف، ازجمله موضوعاتی است که به‌رغم ظرفیت وسیع آن در شمول مباحث کاربردی اقتصادی، علمی، پژوهشی و اجتماعی، کمتر موردبررسی پژوهشگران قرار گرفته است و جزاندکی در بعد فقهی، در دیگرابعاد آن مثل چالش‌های موجود حقوقی و مدیریتی، تحقیقات جامع علمی صورت نگرفته است. در نظام حقوقی ایران، موانع و چالش‌های متعددی وجود دارد که مانع از اداره مطلوب و مؤثر موقوفات می‌شود. رفع چالش‌های حقوقی و مدیریتی در اداره مطلوب موقوفات، نیازمند قانونی مسجل و تدقیق جهت رفع این قبیل نیازها و ابهامات دارد. این موانع شامل عدم شفافیت در قوانین و مقررات، کمبود نظارت و مدیریت کارآمد، عدم توجه به نیت واقفین و عدم تفسیر صحیح از حد اختیارات متولیان با عنایت به ماده ۸۳ ق، م و همچنین مشکلات مربوط به ثبت و انتقال موقوفات است. این مسائل باعث می‌شود که بسیاری از موقوفات به‌درستی مدیریت نشوند و نتوانند به اهداف اصلی و غایی خود نیل یابند.

روش تحقیق

این مقاله از روش‌های کیفی و کمی برای جمع‌آوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد کرد. داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای توامان با مصاحبه کارشناسان حقوقی، مدیران موقوفات و تحلیل مستندات قانونی و اداری جمع‌آوری می‌شود. همچنین، تحلیل‌های آماری برای بررسی ارتباط بین متغیرها و تأثیرات موانع حقوقی بر اداره موقوفات انجام خواهد شد و از روش‌های مقایسه‌ای برای بررسی تجارب کشورهای دیگر استفاده می‌شود.

۱- موانع و چالش‌های حقوقی در اداره موقوفات

اداره موقوفات در نظام حقوقی ایران با موانع و چالش‌هایی روبه‌رو است که ریشه بسیاری از آن‌ها در ابهامات و خلأهای قانونی، ضعف نظارت و مشکلات اجرایی است. در این بخش، به مهم‌ترین موانع حقوقی در اداره موقوفات در چارچوب قانون مدنی ایران پرداخته می‌شود. در مورد موانع حقوقی در مدیریت موقوفات و تعارضات مالکیت، می‌توان به برخی مواد قانونی از قانون مدنی ایران اشاره کرد:

۱- ماده ۴۷ قانون مدنی: در این ماده، موقوفاتی که به قبض رسیده‌اند، به‌عنوان اموالی غیرقابل فروش و انتقال می‌باشند. این موضوع می‌تواند مانع از تغییر مالکیت یا تغییر استفاده از این اموال گردد.

۲- ماده ۵۵ قانون مدنی: طبق این ماده، متولی موقوفات باید مطابق با نیت واقف عمل کند، در غیر این صورت، ممکن است با نظارت نهادهای مربوطه روبه‌رو شود. این مسئله ممکن است به تعارضات حقوقی بین متولیان و ذینفعان منجر شود که باید اصل را بر مبنای نیت واقفین قرار دهیم و با کمک از کارگروه‌های متخصص رفع نماییم.

۳- ماده ۳۲۴ تا ۳۲۶ قانون مدنی: در این مواد به محدودیت‌های مربوط به تصرفات غیرمجاز و حقوق مالکیت پرداخته شده است. در صورتی که افرادی بخواهند در موقوفات اقدامی نمایند که مغایر با نیت واقف یا قوانین مصوب باشد، به تعارضات مالکیت دچار می‌شوند.

۴- ماده ۱۴۷ قانون مدنی: حکایت از تعرض در اموال عمومی و موقوفاتی دارد که مورد استفاده عمومی قرار می‌گیرند؛ لذا تصرف غیرقانونی در این اموال می‌تواند به دعوی حقوقی منجر شود. این قبیل مسائل می‌تواند باعث ایجاد مانع و چالش‌هایی در مدیریت صحیح و مطلوب موقوفات و همچنین ایجاد تعارضات مالکیتی شوند. (امامی، ۱۳۷۷، ۱۵۶)

محدودیت‌های متولی: متولی نمی‌تواند به سلیقه خود تغییراتی در موقوفه ایجاد کند یا به نحوی با آن برخورد کند که با نیت واقف مغایرت داشته باشد. به‌عنوان مثال، اگر واقف برای تأمین رفاه نیازمندان موقوفه‌ای را تعیین کرده باشد، متولی نمی‌تواند درآمد آن را صرف موارد شخصی یا غیر مرتبط کند و فقط مجاز به صرف در امور تعیین شده از جانب واقف است.

نظارت و مسئولیت: متولی موظف است که در امور مالی و اجرایی موقوفه شفافیت داشته باشد و معمولاً تحت نظارت نهادهای مربوطه قرار می‌گیرد. در صورتی که مشخص شود متولی از نیت واقف تخطی کرده یا دقت لازم را در اداره موقوفه

نداشته، ممکن است با مسئولیت حقوقی یا جبران خسارت مواجه شود. این موارد می‌تواند به بروز تعارضات بین ذینفعان موقوفات (مثل افراد بهره‌بردار و متولی) منجر شود و در برخی مواقع، مشکلات و چالش‌های حقوقی به وجود آورد.

۱-۱- ابهام و تناقضات در قوانین مربوط به موقوفات

یکی از چالش‌های اصلی در اداره موقوفات، عدم شفافیت و تناقضات در قوانین مربوط به موقوفات است. قانون مدنی ایران در مواد مختلف به موقوفات اشاره کرده است، اما این قوانین به‌تنهایی نمی‌توانند تمام مسائل و نیازهای اجرایی مربوط به موقوفات را پوشش دهند. به‌عنوان مثال:

- ماده ۵۵ قانون مدنی، مربوط به تعریف وقف، می‌گوید: "وقف عبارت است از اینکه مالک عین مال خود را از ملکیت خارج و برای مصرف در جهات معین وقف کند."

- ماده ۵۸ قانون مدنی نیز شرایط صحت وقف را ذکر می‌کند، اما این مواد مشخص نمی‌کنند که در صورت بروز اختلافات اجرایی در شرایط خاص، چطور باید عمل کرد. درواقع، قانون مدنی نیاز به قوانین تکمیلی برای مدیریت بهتر موقوفات و حل مسائل عملی دارد.

این نقص‌ها و ابهامات در قوانین باعث می‌شود که در مواردی نتوان به‌راحتی وضعیت حقوقی موقوفات را تعیین کرد. برای مثال، در صورتی که مال موقوفه نیاز به تعمیر یا بهسازی داشته باشد، برخی از قوانین موجود نمی‌توانند به‌طور صریح و دقیق مشخص کنند که آیا این هزینه‌ها بر عهده واقف است یا خیر و اینکه در شرایط خاص چه کسی مسئول است. (کاتوزیان، ۱۳۸۹)

۱-۲- عدم نظارت و شفافیت در مدیریت موقوفات

نظارت ضعیف و نهادهای بازرسی ناکافی یکی دیگر از چالش‌های حقوقی در اداره موقوفات است. مطابق ماده ۵۹ قانون مدنی، واحدهای متولی وقف باید مراقبت کنند تا مال موقوفه به‌درستی مصرف شود، اما متولیان موقوفات همواره با چالش‌هایی در زمینه نظارت و مدیریت منابع مواجه هستند. از آنجا که نهادهای دولتی یا غیردولتی که مسئول نظارت بر موقوفات هستند، بسیاری از اوقات ناکارآمد یا بی‌انگیزه‌اند، این امر موجب می‌شود که گاه از موقوفات سوءاستفاده شود و یا هزینه‌ها و درآمدهای موقوفات به‌طور نادرست و بدون حسابرسی صحیح مدیریت شوند. (همت، ۱۹۶۶)

۱-۳- مشکلات مربوط به اجرای صحیح وقف‌ها و اهداف آن‌ها

در ماده ۶۰ قانون مدنی آمده است که "موقوفه باید طبق نیت واقف و در مواردی که وقف برای مصارف خاص تعیین شده است، استفاده شود." با این حال، در عمل، بسیاری از موقوفات در پی تغییرات اجتماعی و اقتصادی یا به دلیل نبود نظارت صحیح، از اهداف اصلی خود دور می‌شوند. این مشکلات اجرایی، مانند عدم انطباق مصرف موقوفات با هدف واقف، به‌ویژه در مواردی که واقف نیت خاصی داشته باشد، باعث ایجاد اختلافات حقوقی بین وارثان، متولیان و حتی مراجع قضائی می‌شود.

مثلاً در مواردی که وقف برای فقرزدایی در یک منطقه خاص صورت گرفته است، ممکن است متولیان به دلایلی چون عدم آگاهی یا مدیریت نادرست، درآمد موقوفه را در جهت‌های دیگری هزینه کنند که مخالف با نیت واقف باشد. در این حالت، معضلات حقوقی و چالش‌های اجرایی به وجود می‌آید که حل آن نیازمند بازنگری در قوانین و ایجاد سازوکارهای نظارتی دقیق‌تری است.

۲- چالش‌های حقوقی مرتبط با انتقال و جانشینی در موقوفات

یکی دیگر از مسائل حقوقی پیچیده، مشکلات مربوط به جانشینی متولیان موقوفات است. در برخی موارد، جانشینی متولی بعد از فوت یا استعفا یا حتی عدم توانایی در مدیریت موقوفه به‌وضوح در قانون مشخص نشده است. این خلأها می‌توانند باعث بروز اختلافات در تعیین متولیان جدید و حتی در تعیین وظایف آن‌ها شوند.

ماده ۶۰ قانون مدنی از متولیان می‌خواهد که در اداره موقوفات، «طبق نیت واقف عمل کنند»؛ اما این ماده در صورتی که متولی پیشین فوت کند یا از وظایف خود استعفا دهد، در عمل مشخص نمی‌کند که چه روندی برای جانشینی باید پیگیری شود. در برخی موارد، این مشکل به اختلافات حقوقی پیچیده‌ای منجر می‌شود که حل آن‌ها نیازمند اصلاح و تکمیل قوانین در این زمینه است.

۳- مسائل مالی و اقتصادی موقوفات

مشکل دیگری که در اداره موقوفات به‌ویژه در ایران مطرح است، مسائل مالی و اقتصادی موقوفات است. در بسیاری از موارد، موقوفات به دلیل مشکلات مالی قادر به اداره صحیح خود نیستند. طبق ماده ۵۷ قانون مدنی، مال موقوفه نباید ضایع شود و باید در مسیر مصرف صحیح قرار گیرد، اما در عمل، بسیاری از موقوفات به دلیل مشکلات اقتصادی یا سوء مدیریت

از اهداف واقعی خود فاصله می گیرند. نداشتن منابع مالی کافی برای نگهداری، به روزرسانی یا توسعه موقوفات می تواند اداره صحیح آن ها را دچار مشکل کند.

چالش های حقوقی موجود در اداره موقوفات، به ویژه در زمینه های ابهام در قوانین، نظارت ناکافی، مشکلات اجرایی و اقتصادی، از جمله موانعی هستند که باعث ایجاد مشکلات متعدد در فرآیند مدیریت موقوفات می شوند. این مسائل نه تنها مانع از اجرای صحیح نیت واقفان می شود، بلکه ممکن است به تضییع حقوق افراد و جامعه نیز منجر شود؛ بنابراین، نیاز به اصلاحات قانونی، شفاف سازی و تقویت نظارت در نظام حقوقی موقوفات ایران امری ضروری به نظر می رسد.

این بخش می تواند به طور کامل تر و با بررسی دقیق تر جزئیات، در مقاله شما گنجانده شود. اگر نیاز به توسعه یا اصلاح بخش خاصی داشتید، خوشحال می شوم که بیشتر کمک کنم.

۴- راهکارهای اصلاحی در اداره موقوفات

در مواجهه با مشکلات و چالش های حقوقی که در بخش قبل توضیح داده شد، پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی برای بهبود وضعیت موقوفات و تقویت نظارت، شفافیت و انطباق موقوفات با اهداف واقفان ضروری به نظر می رسد. در اینجا برخی از مهم ترین راهکارها را با استناد به اصول حقوقی و نیازهای اجرایی پیشنهاد می کنیم.

۴-۱- اصلاح و شفاف سازی قوانین مربوط به موقوفات

اولین و مهم ترین گام در اصلاح وضعیت موقوفات، اصلاح و شفاف سازی قوانین موجود است. برخی از قوانین کنونی ممکن است ابهاماتی در نحوه مدیریت و اجرای وقف ایجاد کنند. برای رفع این مشکلات، ضروری است که قانون مدنی ایران و سایر قوانین مربوط به موقوفات به طور خاص و جامع تر اصلاح شوند. به عنوان مثال:

- در ماده ۵۵ قانون مدنی تعریف وقف آمده است، اما این ماده نمی تواند به تنهایی تمام ابعاد حقوقی وقف را پوشش دهد؛ بنابراین، پیشنهاد می شود که تعریف وقف به گونه ای اصلاح شود که تمام جنبه های اجرایی، مالی و حقوقی آن را مشخص کند.

- ماده ۵۹ قانون مدنی که به مسئولیت متولیان موقوفات اشاره دارد، نیازمند اصلاحاتی است تا نقش دقیق و مسئولیت های قانونی متولیان در قبال نیت واقف و بهره برداری از مال موقوفه به طور دقیق تری تعریف شود. این اصلاحات باید شامل نحوه نظارت، حسابرسی و استفاده صحیح از موقوفات باشد.

برای مثال، در قانون وقف ترکیه، قوانین و مقررات بسیار دقیق‌تری در رابطه با شرایط وقف و نظارت بر آن‌ها وجود دارد که می‌تواند الگوی مناسبی برای اصلاح قوانین ایران باشد.

۴-۲- تقویت نظارت و بازرسی بر موقوفات

یکی از چالش‌های اصلی در اداره موقوفات در ایران، ضعف نظارت و بازرسی است. از آنجا که بسیاری از موقوفات در طول زمان ممکن است دچار مشکلات مدیریتی و سوءاستفاده‌های مالی شوند، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و کارآمد ضروری است. برخی از اقدامات اصلاحی در این زمینه عبارت‌اند از:

- ایجاد نهاد مستقل نظارتی: تأسیس یا تقویت نهادهایی مانند "هیئت عالی نظارت بر موقوفات" که از سوی وزارت کشور یا وزارت دادگستری مستقل از سایر نهادها، وظیفه نظارت بر وضعیت موقوفات و عملکرد متولیان را بر عهده داشته باشد.

- مکانیسم‌های حسابرسی دقیق: ایجاد مکانیسم‌های حسابرسی شفاف و دقیق برای پیگیری درآمدها و هزینه‌های موقوفات و اطمینان از مصرف صحیح آن‌ها مطابق با نیت واقف.

- تأسیس سامانه‌های دیجیتال نظارتی: پیشنهاد می‌شود سامانه‌های الکترونیکی و دیجیتال برای ثبت و پایش وضعیت موقوفات و نظارت بر متولیان ایجاد شود تا همه اطلاعات به‌طور شفاف و قابل‌دسترس برای مراجع ذی‌صلاح باشد.

ایجاد و به‌روزرسانی فرآیندهای اجرایی موقوفات متناسب با شرایط روز

با توجه به تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران، نیاز به بازنگری و به‌روزرسانی فرآیندهای اجرایی وقف** احساس می‌شود. موقوفات باید با توجه به شرایط روز و نیازهای جامعه به‌درستی اداره شوند. در این راستا، پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح می‌شود:

- توسعه و به‌روزرسانی اهداف موقوفات: برخی موقوفات که در گذشته برای امور خاصی وقف شده‌اند، با گذر زمان ممکن است به اهداف جدیدی نیاز داشته باشند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که امکان بازنگری و تجدیدنظر در نیت واقف (با شرط حفظ اصل وقف) برای انطباق با شرایط جدید در نظر گرفته شود.

- ایجاد کمیته‌های مشورتی برای مدیریت موقوفات: تشکیل کمیته‌های مشورتی شامل کارشناسان حقوقی، اقتصادی و اجتماعی برای تعیین نحوه مصرف موقوفات می‌تواند به اداره بهتر این اموال کمک کند.

- پشتیبانی از موقوفات با منابع مالی جدید: برای جلوگیری از مشکلات مالی موقوفات، باید راهکارهایی برای تأمین منابع مالی جدید، مانند جذب سرمایه‌گذاران و حمایت‌های دولتی در نظر گرفته شود.

۴-۳- مکانیسم‌های حقوقی برای حل اختلافات و جانشینی متولیان

در بسیاری از موارد، مشکلات حقوقی مربوط به جانشینی متولیان و اختلافات مربوط به نیت واقف به‌طور جدی در موقوفات مطرح می‌شود. برای حل این مشکلات، پیشنهاد می‌شود:

- تعیین شفاف روند جانشینی متولیان: قانون باید به‌طور روشن و دقیق فرآیند جانشینی متولیان را مشخص کند. به‌ویژه در مواقعی که متولی به هر دلیل قادر به انجام وظایف خود نباشد، باید روند قانونی مشخصی برای انتخاب جانشین وجود داشته باشد.

- راه‌اندازی مراکز حل اختلاف: ایجاد مراکز حل اختلاف ویژه برای موقوفات، تحت نظارت قوه قضائیه که در آن دعاوی مربوط به وقف، جانشینی متولیان، یا انحراف از نیت واقف به‌طور سریع و تخصصی رسیدگی شود.

۴-۴- آموزش و آگاهی‌بخشی به متولیان و جامعه حقوقی

برای بهبود وضعیت اداره موقوفات، ضروری است که آموزش‌های تخصصی در زمینه قوانین وقف و نحوه مدیریت موقوفات برای متولیان و مسئولین ذی‌ربط فراهم شود. این آموزش‌ها می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- آموزش به متولیان موقوفات: در زمینه حقوق و وظایف آن‌ها طبق قانون، نحوه گزارش دهی مالی و شفافیت در عملکرد.

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارشناسان حقوقی و قضات: در زمینه وقف و مسائل مربوط به آن تا در رسیدگی به دعاوی مربوط به موقوفات با آگاهی و دقت بیشتری عمل کنند.

- اطلاع‌رسانی عمومی: در رابطه با حقوق مردم نسبت به موقوفات، به‌ویژه در مواردی که موقوفات مربوط به مسائل اجتماعی یا عمومی هستند. در نهایت، برای بهبود وضعیت اداره موقوفات در ایران، اصلاحات قانونی و اجرایی ضروری است. این اصلاحات باید شامل شفاف‌سازی قوانین، تقویت نظارت و بازرسی، به‌روزرسانی فرآیندهای اجرایی متناسب با شرایط روز، حل مشکلات جانشینی متولیان و آموزش متولیان و مسئولین باشد. با توجه به اهمیت بالای موقوفات در ایران، اجرای این راهکارها می‌تواند به‌طور قابل توجهی موجب بهبود وضعیت موقوفات و تضمین مصرف صحیح منابع موقوفه مطابق با نیت واقفان شود.

نتیجه گیری

وقف عقدی است که در آن مالی بخشیده می شود تا مردم یا گروهی از آنان، از منافعی که تسبیل گشته استفاده کنند. در وقف، نه واقف و نه آن ها که برایشان وقف شده (حقوق مکتسبه ثالث)، حق فروش یا بخشیدن مال وقفی (انحلال) را ندارند مگر قید زمان خاص در وقف نامه؛ بدین صورت وقف به عنوان میراثی جاودانه در بین مردم جامعه رواج خواهد یافت. اعمال حقوقی شامل دودسته عقد و ایقاع می باشند، در بین فقها درباره ماهیت حقوقی وقف از این حیث که عقد یا ایقاع است، اختلاف نظر وجود دارد: ۱. وقف (عام - خاص) با اعلام اراده واقف و بدون نیاز به قبول واقع می شود و چهره حقوقی به خود می گیرد ۲. وقف خاص به قبول نیاز دارد، ولی در وقف عام، قبول لازم نیست؛ ۳. در وقف عام و خاص، قبول شرط است. ق.م ایران مبتنی بر نظر اخیر است. درباره مالکیت مال موقوفه، برخی فقها واقف را مالک، برخی عین موقوفه را متعلق به موقوف علیه یا علیهم و بعضی هم خدا را مالک مال موقوفه می دانند. با مطالعه ماهیت حقوقی وقف و وضعیت مالکیت مال موقوفه، می توان به این نتیجه رسید که: ۱. وقف، عقد است و ایقاع نیست ۲. با تثبیت وقف، شخصیت حقوقی جدیدی شکل می گیرد که مالک مال موقوفه است؛ بنابراین در قانون مدنی و فقه امامیه هر دو باهم در این نظر مشترک می باشند. از مطالعات به عمل آمده می توان ادعای صورت گرفته در مورد وقف پول را مورد پذیرش قرارداد: زیرا اولاً: دلیلی مقتضی همانند استناد به اطلاعاتی مانند (الوقوف تکنون علی حسب ما یوقفها اهلها) موجود است. ثانیاً: با ادله قوی وقف مالیت را می پذیریم و پذیرش وقف مالیت معادل پذیرش وقف پول است زیرا که وقف پول چیزی جز وقف مالیت نیست. ثالثاً پذیرش شرط بقای اصل در موقوفه، دلیل عرفی قرینه ای برای موضوع است که در وقف پول اصل باقی می ماند و بنابراین شامل دلیل حبس الاصل و سبل الثمره می شود. وقف پول در صورت تصحیح دارای کارکردهای اقتصادی زیادی همچون کاهش فقر در جامعه، ایجاد اشتغال و تجمع سرمایه های کلان در جامعه خواهد بود. برای عملیاتی شدن وقف پول می توان از طریق بانک وقف پول، صندوق وقف قرض الحسنه و صندوق مشترک سرمایه گذاری وقف اقدام نمود.

وظایف و مسئولیت های متولیان و نهادهای ناظر ممکن است به طور دقیق تعریف نشده باشند. این نقیصه می تواند منجر به ابهام در سطوح اجرایی و تعارض در نحوه مدیریت مطلوب موقوفات شود. گاهی اوقات، تعارض میان مصوبات و نظام نامه های حقوقی نهادهای ناظر و قدرت های تصمیم گیری متولیان موقوفات وجود دارد. این اختلافات می تواند منجر به بروز مناقشات قانونی و اداری در اداره مطلوب موقوفات شود. تدوین و شفاف سازی قوانین مرتبط با موقوفات و تعیین دقیق حقوق و مسئولیت های متولیان و نهادهای ناظر می تواند به درک بهتر مسائل کمک کند. وظایف و مسئولیت های متولیان و نهادهای ناظر ممکن است به طور دقیق تعریف نشده باشند. این نقیصه می تواند منجر به ابهام در سطوح اجرایی و تعارض در نحوه مدیریت موقوفات شود. نبود هماهنگی ها میان نهادهای ناظر و متولیان ممکن است به عدم استفاده بهینه از منابع موقوفه

و بروز مشکلات در نگهداری و استفاده صحیح از موقوفات منجر شود و همچنین گاهی اوقات، تعارض میان مصوبات و نظام‌نامه‌های حقوقی نهادهای ناظر و قدرت‌های تصمیم‌گیری متولیان موقوفات وجود دارد. این اختلافات می‌تواند منجر به بروز مناقشات قانونی و اداری و اداره مطلوب موقوفات شود.

با توجه به اهمیت نهاد وقف در تأمین نیازهای عمومی و توسعه اجتماعی، اصلاحات در این حوزه می‌تواند تأثیرات مثبتی بر اقتصاد و فرهنگ جامعه داشته باشد. نیاز به بازنگری در مواد قانونی مربوط به موقوفات (به‌ویژه مواد ۵۷ تا ۶۲ قانون مدنی) و ایجاد شفافیت بیشتر در تفسیر و اجرای آن‌ها وجود دارد. این کار می‌تواند به کاهش تفسیرهای متفاوت و بهبود فرآیندهای اجرایی کمک کند. به‌طور کلی، تصرف غیرمجاز به وضعیتی اشاره دارد که فردی بدون اجازه یا مجوز قانونی، در ملک یا موقوفه‌ای تصرف می‌کند. در مورد موقوفات، این تصرفات می‌تواند به معنای استفاده شخصی از منابع موقوفه یا اشغال اموال موقوفه باشد.

حق و حقوق ذینفعان: طبق ماده ۳۲۵ قانون مدنی، هر ذینفع در موقوفه (کسانی که از عواید موقوفه بهره‌مند می‌شوند) حق دارند که در صورت خوش‌خدمتی یا تصرف غیرمجاز دیگران در ملک موقوفه، اقدام به شکایت نمایند و حقوق خود را مطالبه کنند. (امامی، ۱۳۷۷)

نظارت مراجع ذی‌صلاح: نهادهای نظارتی و اوقاف نیز وظیفه دارند که بر امور موقوفات نظارت داشته باشند و در صورت مشاهده تخلفات، اقدامات لازم را انجام دهند. این مراجع می‌توانند به شناسایی و جلوگیری از تصرفات غیرمجاز کمک کنند و متولی را نیز در انجام وظایف نظارتی خودیاری دهند. اصول قانونی؛ طبق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی، تعرض به اموال عمومی و موقوفات ممکن است به‌عنوان جرم محسوب شود و فرد متخلف ممکن است با مجازات قانونی روبرو شود. از این رو، مراجع قضائی و انتظامی در صورت مشاهده تعرضات، موظف به پیگیری قضایی هستند. به نظر می‌رسد در قانون فوق‌الذکر مراد، تضادها و مغایرانی که در نیات واقف در استفاده از موقوفه باشند را نیز شامل می‌شود. (امامی، ۱۳۷۷)

نهادهای متولی موقوفات، نظارتی مستمر بر اموال و حقوق موقوفه دارند. این نهادها می‌توانند به شناسایی تعرضات و رفتارهای خلاف قانون اقدام کنند و برای حفظ حقوق موقوفات و عموم شهروندان (مصلحت عمومی جامعه) اقداماتی را انجام دهند. در صورتی که تعرضی واقع شود، متولی موقوفه یا هر ذینفع می‌تواند با طرح دعوی در دادگاه، درخواست جبران خسارت و تخلیه موقوفه را بنماید. جهت حل و فصل اختلافات فی‌مابین موقوفات و مالکیت خصوصی، ماده ۵۹ قانون مدنی اشعار می‌دارد که هرگونه ادعای مالکیت در مورد موقوفات باید با توجه به نیت واقف و شرایط وقف بررسی شود. مدیریت موقوفات و تعارضات مالکیت نیازمند دقت و توجه به قوانین و مقررات موجود است. برای جلوگیری از مشکلات حقوقی،

پیشنهاد می‌شود که اسناد وقف به‌طور دقیق و شفاف تنظیم و ثبت شوند و در صورت بروز اختلافات، از مراجع قانونی بهره جست. از راهکارهای رفع تعارض قوانین در خصوص موقوفات، اصلاح قوانین موجود با بهره‌گیری از نیت واقفین با عنایت به مصلحت عمومی جامعه است و طبق ماده ۸۳ ق،م متولی با رعایت صفات مقید از جانب واقف، وکیل اخذ نماید. این به معنای تغییر، انضمام تبصره به قانون یا حذف مواد قانونی است که باعث ایجاد تعارض می‌شوند و جایگزینی آن‌ها با مواد جدیدی که با اصول کلی حقوقی و اهداف وقف سازگار باشند. مثلاً فرض کنید قانونی وجود دارد که به متولی موقوفه اجازه می‌دهد بدون هیچ محدودیتی در اموال موقوفه تصرف کند. از طرفی، اصل کلی در حقوق مدنی این است که هرگونه تصرف در اموال دیگران بدون مجوز قانونی، غیرقانونی است. این دو قانون باهم تعارض دارند. در این حالت، برای رفع این تعارض می‌توان قانون مربوط به تصرفات متولی را اصلاح کرد و محدودیت‌هایی برای تصرفات او قائل شد. مثلاً می‌توان مقرر کرد که متولی تنها با مجوز مرجع قضایی یا نظارتی می‌تواند در اموال موقوفه تصرف کند یا اینکه باید تصرفات خود را به نفع موقوفه توجیه کند. در وقف نامه یکی از ارکان مهم، نیت واقف است که به دو قسم، خاص و عام تقسیم می‌شوند و در اداره مطلوب موقوفات باید به آن اهتمام ورزید. مگر مستثنیاتی از قبیل متوجه نمودن منفعت یا انتفاع از موقوفه به قشر خاصی که در زمان خاص و محدودی بوده‌اند که نیازمند به‌روز شدن است مثل وقف بر رشته خاصی از دروس دانشگاهی یا اقلیت. دیگر مباحث جهت اداره مطلوب و راهکارهای اصلاحی در عقود موقوفه مطابق ماده ۸۳ ق.م در مورد اداره موقوفه، تفویض اختیار یا مباشرت در تولیت موقوفه، منوط به اذن واقف در ضمن عقد وقف است ولی اخذ وکیل بلا مشکل است که مورد آخر نیازمند توضیح و رفع ابهام و ارائه پیشنهاد بیشتر است. قبول متولی منصوص (خاص)، مشروط به صفات قید شده از جانب واقف است و در غیر این صورت موقوفه مطابق تبصره ۲ ماده ۴ قانون سازمان اوقاف مجهول التولیه است و همچنین بر اساس قواعد عمومی، ید متولی، ید امانی بوده و ضمانت اجرای آن باید در وقف نامه قید شود و گرنه از جانب سازمان اوقاف به‌عنوان یکی از ناظرین عالی، سلب امانت می‌گردد؛ امکان بهره‌برداری متولی جهت اداره موقوفه فقط تا حد مقید در وقف نامه است و گرنه طبق عرف و بیان صریح سازمان اوقاف امکان‌پذیر است.

در انتها باید متذکر شد که توجه و تفسیر دقیق از نیت واقف بسیار حائز اهمیت است و اگر نیت به‌صورت ضمنی و یا مقید به شروطی باشد و انجام آن میسر نباشد با توجه به مصلحت عمومی جامعه باید کارگروه‌های متخصص با در نظر گرفتن جانب‌داری نیت واقفین بدان جامه عمل بپوشانند.

منابع و مأخذ

فارسی

- ۱- امامی، سید حسن (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیة.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، الفارق، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۳- حائری شاه باغ، سید علی (۱۳۷۶)، شرح قانون مدنی، ج ۱، چاپ اول، تهران: بینا.
- ۴- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت). چاپ ۳۰. میزان، ۱۳۸۹.
- ۵- کیایی، عبدالله، قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (جلد اول). چاپ ۱. سمت، ۱۳۸۴.
- ۶- کاشانی، سید محمود، حقوق مدنی قراردادهای ویژه (اشاعه، شرکت مدنی، تقسیم مال مشترک، ودیعه، وکالت، ضمان). چاپ میزان، ۱۳۸۸.

عربی

- ۱- عبدالکریم الحورانی، یاسر (۱۴۲۲ق)، الوقفوالعمل الأهلئ فی المجتمع الإسلامئ المعاصر، الکویت: الأمانة العامة للأوقاف بالکویت.
- ۲- همت، علی، ترجمه، داود بهلولی، (۱۹۶۶) فرهنگ اصطلاحات وقف در امپراتوری عثمانی، چاپ ۴، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن ح سین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد د، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.